

سیر مطالعات فولکلور در ایران

ترجمه:

علی مظفری - براتعلی نظر کرده

شکی نیست که سرزمین پهناور، تاریخی و فرهنگ‌خیز ایران دارای فرهنگ و ادبیاتی غنی و پربار است، به‌ویژه وجود اقوام گوناگون در آن سبب شده است از ادبیات محلی و عامیه پرباری برخوردار باشیم.

در حالی که امروزه توجه به فرهنگ عامه و پدیده‌های اصیل آن نوعی خودشناسی است و سبب می‌شود که با شناخت عمیق آن و پی‌بردن به ارزش‌های فرهنگی و قومی گذشتگان و نیاکان از هجوم فرهنگ بیگانه در امان ماند، اما متأسفانه نسبت به پژوهش درباره ادبیات عامیانه ایران قدری بی‌مهری شده و صرفاً مطالعات پراکنده، نامنظم و غیرعلمی به‌وسیله پژوهشگران خارجی و ایرانی در سال‌های اخیر صورت گرفته است و بیشتر فولکلور در ایران با مفهوم «مردم» به‌عنوان توده‌های بی‌سواد که تحت‌تأثیر تمدن مدرن قرار نگرفته‌اند.

و توانسته‌اند آداب و رسوم گذشته را به شکل اصلی و دست‌نخورده حفظ نمایند و شناخته شده است.

در این مقاله سیر تاریخی مطالعات فولکلور در ایران مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، برای این منظور ابتدا توضیحاتی درباره فولکلور، نام‌ها و اصطلاحات مربوط به آن بیان شده، سپس به شروع پژوهش‌های فولکلوری در ایران، پیشگامان و آثاری که در این زمینه بر جای مانده است، پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: فولکلور، اسطوره، افسانه، فرهنگ توده، مردم‌شناسی، توده‌شناسی، باورداشت‌ها، ادبیات فولکلور و ادبیات شفاهی.

فولکلور چیست؟

اصطلاح «فولکلور» در معنای عام به نمود فرهنگی - سنتی هر گروه جالب توجه مردم که لزوماً به یک گروه خاص اجتماعی وابستگی ندارند گفته می‌شود. این اصطلاح، زمینه وسیعی از مفاهیم گوناگون را در بر می‌گیرد، یعنی از عقاید عامه گرفته تا آیین و رسوم، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و دیگر انواع ادبیات شفاهی.

چون مطالعات فولکلور در ایران پدیده‌ای نسبتاً جدید می‌باشد، اصطلاحی که مورد پذیرش اکثریت پژوهشگران باشد هنوز برای این رشته علمی وجود ندارد. برخی اصطلاحات ویژه عبارتند از: عقاید و رسوم آیین‌ها و باورداشت‌ها و جدیدترین نام‌گذاری‌های عمومی شامل: توده‌شناسی، فرهنگ مردم که به احتمال فراوان، پذیرفتنی‌ترین معادل برای فولکلور می‌باشد.

گستره تاریخی فولکلور در ایران

مطالعه امروزی درباره فولکلور بر معنای هنری شفاهی تاکید می‌کند. ابوالقاسم اتجوی شیرازی که خود فولکلوریست شایسته‌ای بود در طرح کوچکش درباره گستره تاریخی پژوهش‌های فولکلوری در ایران در سال ۱۹۷۰ ریشه‌های این رشته را به گذشته‌های دور، به یک رساله در دوره صفویه به نام «کلثوم ننه» که آقاجمال خوانساری آن را به نگارش در آورده و درباره رسوم و عقاید زنان است نسبت می‌دهد، البته این سخن، اغراقی بیش نیست زیرا نویسنده قصد نداشته که فولکلور را مطالعه کند. اما به هر حال وی یک سند تاریخی کمیاب که اهمیت زیادی دارد از خود به یادگار گذاشته است.

آغاز مطالعات فولکلور را در علاقه شدید جهانگردان و مسافران غربی که از اوایل قرن هجدهم به ایران رفت و آمد می‌کردند، می‌توان جست‌وجو کرد. جدای از کنجکاوی‌های شخصی، انگیزه اصلی برای گسترش زمینه پژوهش‌های فولکلور از اوایل قرن هجدهم، هنگام سلطه انگلستان برهند، آغاز گردید؛ زمانی که زبان فارسی، زبان رسمی دربار، زبان علمی روشنفکران و زبان مورد علاقه استراتژیکی امپراتوری روس بود که در آنجا حضور داشت. در حالی که کوشش اولیه پژوهش‌گران غربی از زمان کشف و ترجمه اوستا (Avesta) تاکید بر روی مطالعات مذهبی بود.

به علت علاقه زبان‌شناسان به نمونه‌های لهجه، به زودی آنها مشغول جمع‌آوری مطالب

مربوط به فولکلور از قبیل: افسانه‌های قدیمی، معماها، آوازاها، حکایت‌ها و روایت‌های روزمره شدند. پیشگامان این رشته عبارتند از: دیپلمات لهستانی، الکساندر چدزکو، دانشمند روسی، والنترین ژوکوفسکی، سفیر انگلستانی به نام داگلاس کراون فیلتوت، دیوید لاک هارت رابرتسون لوریمر، سفیر روسی به نام باسیل نیکیتین و اندیشمند دانمارکی، آرتور کریستین سن که نه تنها کمک شایانی به مطالعات زبانی، مذهبی و تاریخی کرد بلکه مطالعات، روایات و حکایت‌های محلی فارسی را نیز رونق بخشید.

اگر چه این اندیشمندان مطالعاتی اساسی انجام دادند اما تنها شمار اندکی از آنها به عنوان پژوهشگر فولکلور آموزش دیده بودند. برای بیشتر آنها فولکلور و ادبیات فولکلور، تنها یک عامل سرگرم کننده بود که در واقع یک زنگ تفریح برای علایق جدی خداپرستی، مذهبی یا تاریخی آن به شمار می‌آمد و مطالعات فولکلور به ندرت به خاطر خودش جمع‌آوری می‌شده است.

بنابراین طرز تفکر علمی آنان نسبت به اطلاعات فولکلور به طور جدی تعصب‌آمیز بوده است؛ اگر چه آنان با حس و علاقه عمیقی کارشان را انجام می‌دادند. البته نمونه‌های فراوانی وجود دارد که به دو نمونه زیر اشاره می‌شود.

یکی مطالعه «بس آلن دنالدسون» درباره اندیشه‌های خرافی رایج در میان مسلمانان است که براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از زنان، در مشهد می‌باشد و دیگری پژوهش عمومی و مشهور درباره عقاید و فارسی‌زبانان است که به وسیله شرق شناس مشهور فرانسوی (هنری ماسه) به نگارش درآمده است. وی اطلاعات خود را از افراد آگاه و باتجربه هر منطقه جمع‌آوری نموده است که شماری از روشنفکران ایرانی چون، محمد تقی بهار، علی اکبر دهخدا و صادق هدایت او را یاری کرده‌اند.

هنری ماسه اطلاعاتش را بر طریق نظام ابداع شده به وسیله «آرنولدوان گنپ» طبقه‌بندی کرد و موضوعات گوناگونی از قبیل: باردار بودن زنان و از تولد بچه گرفته تا علم اوزان، عقاید محلی، اعتقاد به غیب، طب سنتی بازی‌ها و داستان‌های محلی را شامل می‌شد. از سوی دیگر مطالعات مشابه بعدی مانند مطالعات (ویلهلم ایلرز) و (فریتز می‌یر) ممکن است خودشان را این گونه معرفی کنند که از پیش زمینه فلسفه سنتی ریشه گرفته‌اند و از تجربه مطالعه در این زمینه بهره‌نمخته‌اند. با این وجود آنها هم از اهمیت والایی برای قدردانی در زمینه تکوینی فولکلور ایران برخوردار هستند.

آغاز مطالعات فولکلور در ایران

در حالی که قرن نوزدهم شاهد آشنایی بزرگان و اندیشمندان با یافته‌های جدید علمی

بود، اما فولکلور ایران به عنوان یک رشته علمی قابل مطالعه محسوب نگردید؛ بنابراین پیشرفتی نکرد.

اندیشمندان ایرانی تا دهه سوم قرن بیستم، مطالعات فولکلور را کنار گذاشتند. این زمانی بود که احساسات وطن دوستی با یک آگاهی روزافزون از پدیده «مردم عادی» همراه شد و با یک خواست رمانتیک برای سنت دست‌نخورده ترکیب شد که پژوهشگران غربی راه این کار را هموار کرده بودند.

در حدود یک قرن پیش، روشنفکران ایرانی شروع به برتری دادن زبان فارسی محاوره‌ای بر زبان مصنوعی و پالایش شده کردند. جمال‌زاده در مجموعه مشهور داستان‌های کوتاهش با نام (یکی بود، یکی نبود) زبان روزمره بی‌پیرایه را با علاقه‌ای خاص برای بیان عبارت‌های ضرب‌المثلی و نقل قول‌های محلی در هم آمیخت. نویسندگان دیگری از جمله: علی‌اکبر دهخدا، صادق هدایت و سپس صادق چوبک و صمد بهرنگی و جلال آل‌احمد این شیوه را دنبال کردند. دهخدا در سال‌های (۱۹۲۹ - ۲۲۹۱) مجموعه کامل ضرب‌المثل‌ها و عبارت‌های ضرب‌المثلی را با نام «امثال و حکم» چاپ کرد که هنوز اثری به پای آن نرسیده است.

در حالی که صادق هدایت نخستین ایرانی بود که فولکلور را مطالعه و آن را براساس روش‌های علمی طبقه‌بندی کرد. هدایت در کتاب «تیرنگستان» (۱۹۳۳) پژوهشی درباره خرافات و عقاید عامیانه و فعالیت‌هایی از این قبیل چاپ نمود، در حالی که او در مقاله‌اش به نام «فرهنگ توده» در سال (۱۹۴۵) به پیروی از «پی‌یراسینتیوز» نخستین دسته‌بندی را بر روی مجموعه اسناد و مدارک انجام داد. فهرست و طبقه‌بندی هدایت اگر چه در طرز تفکر بعدی ایران نسبت به فولکلور بسیار تاثیرگذار بود، تنها به وسیله صادق همایونی در زمینه مطالعه کاری‌اش بر روی فولکلور «سروستان» (۱۹۷۰) مورد استفاده قرار گرفت. سرانجام موسسه‌های رسمی به حفظ، نگهداری و مطالعه فولکلور علاقه‌مند شدند. آکادمی زبان فارسی در سال ۱۹۳۸ اطلاعیه‌ای با هدف جمع‌آوری واژه‌های محلی (ولایتی)، اصطلاحات، شعر، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها، آواها و نواها منتشر کرد. مجلاتی از قبیل «پیام نو» در سال (۱۹۴۴) به وسیله سعید نفیسی چاپ شد و بعدها بزرگ علوی سردبیری و ویرایش آن را بر عهده گرفت.

او پس از آن که بر شیوه کارش مسلط شد تعداد زیادی از مقالات کوتاه را در مورد اشعار، معماها، آواها و انواع دیگر ادبیات عامه چاپ کرد. در سال (۱۹۵۸) اداره فرهنگ عامه با همکاری وزارت ارشاد بنیان‌گذاری شد و در سال ۱۹۷۵ به عنوان مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه شناخته و بعدها دوباره مرکز مردم‌شناسی ایران نامیده شد. این مرکز و گروه پژوهشگران آن قصد داشتند به عنوان یک راهنما در پژوهش‌های

فولکلوری نقش مهمی ایفا کنند. آنها بخشی از پژوهش‌ها را در مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه که در سال (۱۹۷۶) تاسیس شده بود چاپ کردند. پژوهش‌هایی که در بین سال‌های (۱۹۶۸، ۱۹۷۴) در این موسسه انجام شد منجر به تحقیق در بیش از چهار صد روستا شد که نتیجه آن چاپ بیش از بیست پژوهش علمی و منحصر به فرد شد.

ادبیات فولکلور در برنامه‌های رادیویی

در دهه ۱۹۴۰ فعالیت‌هایی باشیوه متفاوت به وسیله «فضل‌الله مهتدی» مشهور به «صبحی» آغاز شد در حالی که هدایت بیشتر برنامه‌های رادیویی را برای ارتقای مجموعه اطلاعات فولکلور پیشنهاد داده بود، صبحی در سال ۱۹۴۰ برنامه رادیویی افسانه‌های محلی را آغاز کرد و از شنوندگان خواست که افسانه‌هایشان را برای او بفرستند که حاصل آن چاپ مجموعه کوچکی از افسانه‌های محلی ایران شد. اما این نکته را باید یادآوری کرد که چون هدف اولیه صبحی ایجاد سرگرمی بود آثار چاپ شده وی هدفمندی و استاندارد علمی را نداشتند.

در اوایل دهه (۱۹۶۰) انجوی شروع به تهیه و پخش برنامه‌ای رادیویی به نام «سفینه فرهنگ مردم» با انگیزه جمع‌آوری و نگهداری فولکلور ایران کرد. انجوی مجموعه کارآمدی از همکاری‌اش را آموزش داد. او همچنین مرکز «فرهنگ مردم» را بنیان نهاد و مجموعه «گنجینه فرهنگ - مردم» را چاپ کرد که خود ده جلد مطلب و یادداشت‌هایی درباره فرهنگ و افسانه‌های عامه به آن افزوده بود. انجوی نه تنها سخنران زبردستی بود بلکه استعداد ویژه‌ای در سازماندهی داشت.

افرادی که در سطح کشور او را یاری می‌کردند امکاناتی چون فرم، نامه، ابزار پژوهش و حتی کتابچه طرز نوشتن فرهنگ عامیانه را نیز از وی دریافت می‌کردند. راهنمایی‌های داده شده در این کتابچه شواهد نزدیکی به طبقه‌بندی اصلی هدایت داشت، به طوری که ساختارهای ارایه شده از سوی انجوی از آرشو مرکز فرهنگ مردم که براساس آموزش‌های هدایت بود ناشی می‌شد. تا اوایل دهه (۱۹۸۰) که برنامه رادیویی قطع شد، انجوی موفق به جمع‌آوری یک آرشو از چند صد هزار متن دست‌نویس درباره ابعاد مختلف فولکلور در زندگی روزمره ایرانیان گردید. این مجموعه گنجینه‌ای از اطلاعات درباره زبان سنتی، رسوم، عقاید، افسانه‌ها، تاریخ شفاهی و موارد مشابه است که در دیگر کشورهای خاورمیانه بی‌نظیر بود.

در نتیجه علایق قومی، ملی و حمایت چشمگیر سازمان‌های رسمی و دولت در میانه‌های دهه (۱۹۷۰) مطالعات فولکلور در ایران پیشرفت کرد و یک نشست بین‌المللی درباره

فولکلور در تابستان (۱۹۷۷) در اصفهان برگزار شد که تعدادی از اندیشمندان ایرانی و کشورهای غربی در آن شرکت داشتند.

انجوی علاوه بر آثار برجسته‌اش در زمینه فولکلور، از فعالیت‌های شرق‌شناسان نیز آگاه بود. او مطالعات فولکلور را در ایران قوت بخشید و ادامه گسترش آن را سبب شد. اگر چه انقلاب سبب از هم گسیختگی مطالعات شد؛ اما ارزش‌گذاری دوباره فعالیت‌های گذشته را می‌توان در مطبوعاتی از قبیل مجموعه مقالات جمع‌آوری شده در مرکز مردم‌شناسی ایران (مجموعه ۱۹۸۷ - ۳۸۹۱) که هنوز موجود می‌باشد به قضاوت نشست.

در سال (۱۹۸۵) بود که سازمان میراث فرهنگی تاسیس شد که کار آن تمرکز تمام فعالیت‌های فرهنگی از قبیل: باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و فولکلور می‌باشد. این سازمان عمدتاً با وزارت فرهنگ و آموزش عالی در یک راستا قرار داشت و از سال (۱۹۹۳) زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درآمده است.

فعالیت‌های جانبی آن علاوه بر چاپ مجله‌ای به نام «میراث فرهنگی» از سال ۱۹۹۰ شامل برگزاری نخستین همایش‌های علمی درباره انسان‌شناسی و فولکلور در سال ۱۹۹۰ می‌باشد. بخش مردم‌شناسی علاوه بر آموزش پژوهشگران فولکلور تا مقطع کارشناسی ارشد در حال انجام پژوهش‌هایی در این زمینه درباره موضوعات گوناگونی از قبیل استفاده از آب و آبیاری، بازی بچه‌ها، طب سنتی، لباس‌های سنتی و نقل داستان می‌باشد. مرکز فرهنگ مردم - که موسس آن انجوی در سال (۱۹۹۳) دارفانی را وداع گفت - امروز زیر نظر بخش تحقیقات و پژوهش سازمان صدا و سیما می‌باشد.

پی‌نوشت:

۱. Aleksander chodz co (۱۸۰۴،۹۱)
۲. Valentin zhukovski (۱۸۵۸،۱۹۱۸)
۳. Douglas craven phillot (۱۸۶۰،۱۹۳۰)
۴. David lockhart robertson lorimer (۱۸۷۶،۱۹۶۲)
۵. Basil nikitin (۱۸۸۵،۱۹۶۰)
۶. Arthur christensen (۱۸۷۵،۱۹۴۵)
۷. Bess allen donaldson (۱۹۳۸)
۸. Henri masse (۱۹۳۸)
۹. Arnold van gennep (۱۹۲۲،۳۳)
۱۰. Wilhelm eilers (۱۹۷۹)